

سلام علیکم و رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَ أَلْهِمْنِي التَّقْوَى»

شب ، شب جمعه رحمت و مغفرت، شب زیارتی سالار شهیدان، تقاضا می کنم به روان تابناک پیامبر عزیز اسلام و اهل بیت پاکش صلواتی تقدیم بفرمایید. به روان پاک شهیدان از شهیدان دشت کربلا تا شهیدان مرقد منوراحمد بن موسی صلواتی تقدیم بفرمایید. به روان پاک امامزادگانی که در جوارشان هستیم و همه عزیزانی که از شما به عالم بقا سفر کرده اند، صلواتی تقدیم بفرمایید.

همین آیاتی که تلاوت شد را می خواهیم معنا کنیم، چه سوره ای بود؟ سوره ی رعد آیات نوزدهم تا بیست و چهارم ، چهارده بار در قرآن این کلمه آمده «اولولالباب» ، «لب» یعنی مغز، شما وقتی یه گردو را می شکنید گاهی وقت ها مغز دارد گاهی وقت ها هم پوک ، آدم ها هم همینطورند، «اولو» یعنی صاحبان، صاحبان مغز. در فارسی ترجمه می شود به خردمندان عنوان برنامه امشب، سیمای خردمندان . آیا ما پوک و پوچ هستیم یا مغز داریم. چهارده بار در قرآن این کلمه آمده است هرکس می خواهد ، باید اوصاف خردمندان را پیدا کند. هشت تا از اوصافشان در همین پنج آیه آمده است، خردمندان چه کسانی هستند؟ آیا ما هستیم یا نه . در پایان مجلس امشب معلوم خواهد شد. اگر دیدیم این نشانه ها در ما هست خدا را شکر کنیم، اگر دیدیم در ما نیست فرصت داریم برویم به دنبالش ، حالا اگر آمادگی شنیدن دارید، صلوات بفرستید.

ویژگی اول پایان آیه نوزدهم «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» یعنی فقط خردمندان پندپذیر هستند، خردمندان تذکر پذیرند، بعضی ها می گویند ما از تذکر خوشمان نمی آید ، حاج آقا ما را نصیحت نکن، پیامبران هم وقتی تذکر می دادند، گوش نمی کردند، پند پذیری، نصیحت پذیری، حق پذیری نشانه خردمندی است، شما چه جوری هستید؟ کسی شما را نصیحت کند، آزرده خاطر می شوید؟ می رنجید؟ خشمگین می شوید؟ یا تشکر می کنید؟ امام صادق علیه السلام فرمودند « اگر کسی مرا نصیحت کند ، مثل این است که هدیه ای به من داده است.»

- اولین نشانه ، پندپذیری، نصیحت پذیری، تذکر پذیرفتن است. از این آیه معلوم می شود معارفی را که انبیا برای ما آورده اند، در وجود ما هست، یک تذکر لازم است، ما در سرشتمان خداگرا هستیم، گاهی اوقات تربیت ، باعث می شود تا خدا یادمان برود، یک کسی باید به ما تذکر بدهد، یک خوش نفسی، یک پارسایی، یک پرهیزگاری به ما تذکر بدهد. این ویژگی اول است.

- ویژگی دوم «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ»، خردمندان اول می روند سراغ قرارشون با خدا، خدایی که ما را آفریده از روز اول خلقت با ما یک قرارهایی گذاشته است، عهدهایی بسته است،

پیمان‌هایی بسته است. کجا هست این عهدها؟ در قرآن می‌فرماید «**أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ**»، آی آدمها، آیا ما قرارمان نبود شما دنبال شیطان نروید؟ «**وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ**» قرار این بود که مرا پرستش کنید، چرا دنبال شیطان رفتید؟ خردمندان، عاقل‌ها، اولین دغدغه‌شان این هست، قرارهایی که من با خدا دارم، چه چیزهایی بوده است؟ پیغمبر می‌فرماید «**كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ**» بچه که چشم باز می‌کند، در زایشگاه که به دنیا می‌آید، براساس فطرت خداپرستی، خداگرایی است. «**وَ إِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَيُنَصْرَانِهِ وَيَمَجِسَانِهِ**» این پدر و مادر و محیط و مدرسه و مربیان هستند، رسانه‌ها هستند که او را به بیراهه می‌برند، قرارهایمان را با خدا فراموش نکنیم. یک عالمی وجود دارد به نام عالم ذر، شنیدید؟ در قرآن هست، یعنی وقتی ما ذراتی بودیم، قبل از خلقت ما، همه ما را خدا جمع کرد و با ما یک حرفایی را زد، از جمله حرفهای خدا به ما ذره‌ها این بود، صدا زد است «**أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ**» آیا من پروردگار شما نیستم؟ ما هم جواب دادیم، چرا هستی، اما الان دبه درآورديم، زیرش زدیم. خردمندان به پیمان‌هایی که با خدا بستن وفا دارند.

- ویژگی سوم «**وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ**» خردمندان ارتباطاتشان چهارچوب دارد، ما انسان هستیم، نمی‌توانیم تنها زندگی کنیم، باید رفت و آمد کنیم، دید و بازدید داشته باشیم، مجالس داشته باشیم، مهمانی بریم، مهمان‌ها بیایند، ولی با هرکسی، نه، با ظالم نه، با جباران نه، با مستکبران نه، با مشرکان نه، با فاسقان نه، با منافقان نه، آن جاهایی که خدا فرموده است، باید رابطه داشته باشیم، کجاها خدا فرموده است، از همین قرآن باید استفاده کنیم، مثلاً خدا فرموده، زن و شوهر باید با هم رابطه داشته باشند، یک رابطه احترام‌آمیز، یک رابطه محبت‌آمیز، یک رابطه صمیمی، زن و شوهر وقتی عاشقانه به هم نگاه می‌کنند، خدا به هردوی آنها نظر رحمت می‌کند، زن و شوهر وقتی با هم صحبت می‌کنند، ثواب گفتگوی زن و شوهر از اعتکاف در مسجدالنبی بالاتر است، رابطه فرزندان و والدین «**وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**» رابطه با خویشاوندان، در تفسیر همین آیه چقدر حدیث داریم، با خویشان، با فامیل، با اقوام، رفت و آمد کنید، درد دل آنها را بشنوید، اگر از دستتان کاری ساخته است، گره از کار آنها باز کنید، می‌توانید به آنها مشورت بدهید، مشورت بدهید، رابطه با علما، با دانشمندان «**فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**» چیزهایی را که نمی‌دانید از دانه‌ها بپرسید. رابطه با حجت‌خدا، با پیامبر، با امام زمان (عج)، الان امام زمان (عج) ما حیّ است، باید با او سخن بگوییم، درد دل بگوییم، از او کمک بخواهیم، پیغمبر فرمود «تا میان شما هستم به دیدنم بیاید، وقتی رحلت کردم به دیدن علی (ع)، حسن (ع)، حسین (ع) حجت‌های خدا بروید». دیگر رابطه با چه کسانی؟ رابطه با همسایه‌ها، رابطه با فقرا، رابطه با بیچاره‌ها، رابطه با یتیمان، عجب آیه‌ای است. «**وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ**»، خردمندان اجتماعی هستند، خوش‌ معاشرت هستند، ارتباط برقرار می‌کنند، به عیادت بیماران می‌روند، تا حالا چندتا نشانه گفتیم؟ سه

تا ... این سه نشانه در شما بوده تا حالا ؟ اولی چه بود ؟ اولی پندپذیری، شما نصیحت را خوست می آید یا ناراحت می شوی؟ این نشانه عاقل بودن شماست . دوم چه بود ؟ قرارهایی که با خدا داریم ، یک قرارش را گفتیم ، اینکه دنبال شیطان نرویم، سوم چه بود؟ رابطه . رابطه با چه کسانی ؟ رابطه با آنهایی که خدا گفته است. مثل همسر ، مثل والدین ، مثل فرزندان ، مثل حجت‌های خدا ، همسایه‌ها ، خویشان ، بیچاره‌ها ، یتیمان، بیماران ، چه دامنه‌ای دارد این آیه .... این نشانه عقل هست، نشانه‌ی خرد است، امام صادق علیه السلام در آستانه شهادتش وصیت کردند، وصیت یعنی چه ؟ یعنی اسلام به ما اجازه داده است، تا یک سوم دارایی خودمان را در راه‌هایی که خودمان دوست داریم ، خرج شود. مثلا دارایی شما چقدر هست ؟ خب دارایی سرّی است کسی نباید متوجه شود، مثلا سیصد میلیون و مثلا تا صد میلیون شما اجازه دارید در آن راه‌هایی که خودتان دوست دارید خرج شود، مثلا به مریض‌ها بدهند، به دانش‌آموزان بدهند، به دانشجویها بدهند، مسجد بسازند، راه بسازند ، امام صادق علیه السلام وصیت کرد این پول‌ها را از مال خودم به این افراد بدهید، از جمله وصیت کرد به یکی از فامیلهای خودش که چند بار آمده بود جسارت کرده بود به امام بدهند. اطرافیان گفتند ای پسر پیغمبر، این مطلبی که شما وصیت کردید، هدیه‌ای از طرف شما به آن داده شود، همانی بود که آمده بود تا با چاقو شما را بکشد، حضرت این آیه را خواندند. خدا فرموده است رابطه برقرار کنید، رابطه با خویشان ، این از اقوام من هست، حالا یک بار یک تندی هم به من کرده است، من باید کوتاه بیایم.

- یک ویژگی دیگر «وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» عاقل‌ها از عظمت خدا خشیت دارند، پروا می‌کنند، ملاحظه می‌کنند، خشیت را ما در زبان فارسی معنا می‌کنیم به ترس، اما ترس چند جور هست، یک کسی از شیر می‌ترسد ، یک کسی از تاریکی می‌ترسد ، یک کسی از گرگ می‌ترسد، یک کسی از پدرش می‌ترسد، خب همه ما می‌دانیم پدر که ترس ندارد، پدر به بچه‌اش گفته است، بچه‌جون با فلانی رفت و آمد نکن، فلان جا رفت و آمد نکن، از روی خیرخواهی، این بچه هم می‌داند که پدر دوستش دارد، این ترس از پدر، نه این که پدر هیولا است، نه !! چون می‌داند که پدر ، بزرگ است، از او ، از عظمت او، از بزرگی او می‌ترسد. «وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» یعنی خردمندان از عظمت پروردگار ملاحظه می‌کنند ، بعضی بی‌حیا هستند، در حضور خدا گناه می‌کنند ، گناه آشکار می‌کنند، همین فاجعه‌ای که دیروز رخ داده است در حرم فرزند پیغمبر خدا در شیراز، این بی‌حیایی یک انسان است که خلق خدا را به رگبار می‌بندند، این خشیت ندارد، قرآن می‌فرماید: هر چه دانش ما ، معرفت ما بیشتر باشد خشیت ما از عظمت پروردگار بیشتر خواهد بود، «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» دانشمندان بیشتر از خدا پروا می‌کنند.

- یک ویژگی دیگر «وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» خردمندان، عاقل‌ها از سختی حساب خدا می‌ترسند، آقایان، بانوان ، ما یک روزی در پیش داریم که یکی از اسم‌هایش این است، «یوم الحساب» روز حساب ، گفتنی‌های

ما را ، رفتارهای ما را، دیدنی‌های ما را ، شنیدنی‌های ما را ، ریز، در کارنامه‌هایی ، در پرونده‌هایی نوشتند و حساب کشی می‌کنند، با دقت ، شما این دو آیه را زیاد شنیده‌اید «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» مثقال یعنی چه ؟ مثقال یعنی وزن، به وزن یک ذره، ذره را هم شما شنیدید، گویندگان معنا کردند، امروز عرب‌ها به چه می‌گویند ذره ؟ به اتم . در قدیم وقتی مثلاً این بنا یک روزنه‌ای داشته است، خورشید می‌تابیده به سایه، در همین سایه که در آن نور تابیده ذرات را می‌بینیم، به همین اندازه ما کار خوب انجام داده باشیم خواهیم دید ، «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» یک سر سوزن کار بد انجام داده باشیم ، می‌بینیم آن را، حساب می‌کنند، روز قیامت . آقایان ، خانم‌ها ، از نظر حساب ، مردم چهار گروه تقسیم می‌شوند، گروه اول آنهایی که بی‌حساب به بهشت می‌روند، مثل یک دانش‌آموزی که انقدر معدلش بالا هست که دانشگاه شریف ، دانشگاه تهران می‌گوید این دانش‌آموز را من بدون کنکور می‌پذیرم، بعضی بی‌حساب به بهشت می‌روند، از بس خدمات دارند، از بس عبادات دارند، گروه دوم ، بی‌حساب می‌روند جهنم، از بس جنایات دارند، از بس گناه دارند، مثل دانش‌آموزی که کارنامه اش را نگاه می‌کنیم ، دیکته شده است، دو و نیم، فارسی یک ، علوم سه ، این را هر کی ببیند لازم نیست زیر آن ورقه چیزی بنویسد، بعضی‌ها بی‌حساب می‌روند جهنم. گروه سوم، کسانی که به حسابشان می‌رسند ولی خیلی سخت «حساباً شدیداً» با سختگیری . گروه چهارم، آنهایی هستند که «حساباً یسیراً» آسان است. حالا من از شما سوال می‌کنم از خودم هم می‌پرسم ، آقایان ، خانم‌ها شما جزء کدام یک از این چهار گروه هستید؟ ما باید فکر کنیم، آخر گروه اول بی‌حساب هستند مثل شهدا. آنهایی که حسابشان سخت هست، در حدیث هست، آنهایی که در دنیا سختگیری می‌کنند، آنجا هم با آنها سختگیری خواهند کرد ، مثلاً صاحب خونه است، مستاجر اجاره ندارد به خدا راست می‌گوید، می‌گوید پنج روز پای من صبرکن، صاحبخانه می‌گوید نه ، دقیقاً باید روز سی ام بدهی، خدا هم همین کار را با او خواهد کرد. فروشنده‌ها بعضی سخت‌گیرند، هندوانه را مثل طلا می‌کشد، خدا هم همین کار را با او خواهد کرد ، هرچقدر ما در دنیا نسبت به خلق خدا سخت‌گیریمان بیشتر باشد، خدا هم با ما همین کار را خواهد کرد، اما بعضی‌ها آسان‌گیر هستند ، حالا درست است، بستانکاری شما سر ماه هست ولی ندارد، یک ماه فرصت بده، مهلت بده ، حالا اینجا چه می‌فرماید ؟ «وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» حالا که می‌ترسد سعی کند، گناه نکند، جرم مرتکب نشود، تا حالا چند مورد گفتیم ؟ یک بار دیگر با هم بشماریم . ما خردمند هستیم ؟ ان شاءالله، ما عاقل هستیم ؟ الان این خبرنگار راه بیفتد درکوچه و بازار از مردم بپرسد، به نظر شما عاقل چه کسی است؟ بگویند آن فرد، یک خانه سه طبقه ساخته است، آن یکی را می‌بینی هشت سال درایران جنگ بود، یک بار هم به جبهه نرفت، رفت اروپا ، رفت ترکیه این عاقل است .... حالا مردم جورواجور هستند، اگر از مردم بپرسیم عاقل چه کسی است؟ می‌گوید آن کس که پول جمع کرده است، آن کس که حقه بازی کرده است، ولی اگر ما از خدا بپرسیم عاقل چه کسی است؟

اولین نشانه عاقل ها، پندپذیری است، نشانه‌ی دوم، تعهد نسبت به خدا، نشانه‌ی سوم، ارتباطاتشان خط قرمز دارد، با هرکسی رفت و آمد می‌کنند، معاشرت دارند ولی تا آن جاهایی که خدا گفته است، نشانه چهارم از عظمت خدا حیا می‌کنند، پروا می‌کنند، در محضر خدا معصیت نمی‌کنند، نشانه پنجم، از سختی روز قیامت می‌ترسند، روز قیامت چقدر طول می‌کشد؟ پنجاه هزار سال ... یعنی الان عمرهای طولانی در دنیا صد سال هست، الان در شهر ری یک آدم صد ساله پیدا بشود، تلویزیون سراغش می‌رود و می‌گوید چطور شما صد سال عمر کردید؟ مثلاً می‌گوید لبنیات خوردم ... نهصد سال اضافه کنید می‌شود هزار سال، این یک معطلی از پنجاه ایستگاه قیامت است، معطلی قیامت هم اینطور نیست که در سالی کولر باشد و کیک و ساندیس باشد، خیر، تعارف ندارد، باید روی پا بایستی و عرق بریزی. خیلی سخت است حساب خدا، چه کنیم حساب بر ما آسان شود؟ با مردم آسان بگیرید، حالا فلانی دو تا خانه دارد، اجاره داده است تخفیف بده، ندارد بیچاره، بستان کاریش به تاخیر افتاده است، یک مقداری مهلت بده، در فروش ارفاق کن، تخفیف بده، آن مشتری چانه می‌زند، نگوید نه اینجا قیمت مقطوع است، حدیث داریم مغازه‌دار خوب، مغازه‌داری است که مثلاً صبح کسب و کاسبی را شروع کرده است، ساعت ده صبح به سود مورد نظر خودش رسیده است، مثلاً لوازم التحریر می‌فروشد، پیش خودش حساب می‌کند من روزی مثلاً پانصد هزار تومان سود کنم، خدا را شکر می‌کنم، حالا تا ساعت ده پانصد هزار تومان گیرش آمده است، حدیث داریم از ساعت ده تا شب بقیه‌ی فروش ها را سود نگیرد، الان همچنین فروشنده‌ای در جمع ما هست؟ این موارد شیرینی‌های اسلام هست.

- نشانه ششم «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ» آنهایی که به خاطر خدا استقامت می‌کنند، صبر چیز خوبیه یا چیز بدی است؟ فرق می‌کند، آدم بدها هم ممکن است روی انحراف خودشان، روی لجاجت خودشان ایستادگی کنند، نه، صبر برای خاطر خدا خوب است. آقا و مولای ما و شما امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: صبر سه جور هست، ۱. صبر در انجام تکالیف الهی یعنی می‌خواهد نماز بخواند، صبر لازم دارد، باید از خواب شیرین دل بکند، می‌خواهد روزه بگیرد، صبر لازم دارد، از اذان صبح تا اذان مغرب نباید چیزی بخورد، می‌خواهد خمس بدهد، صبر لازم دارد، این صبر در تکالیف است، ۲. صبر در گناهان، به گناه می‌رسد؛ مثلاً نگاهش می‌افتد به یک نامحرم زیبا، دلربا، می‌خواهد نگاه نکند، صبر لازم دارد، کامپیوتر را روشن کرده است، در اینترنت یک سایت مبتذل و دیدنی، می‌خواهد خاموش کند صبر لازم دارد، یک پول حرامی است، می‌تواند بردارد و اگر نخواهد بردارد، صبر لازم دارد، این صبر نزد گناهان است، ۳. صبر در حوادث. مصیبتی پیش آمده است، عزیزی از دست رفته است، فرزندش از دنیا رفته است، پدرش از دنیا رفته است، همسرش از دنیا رفته است، آوار آمده، یا یک حادثه جنگی پیش آمده است، تمام این موارد همه حوادث هستند، به خاطر خدا اگر باشد این نشانه خردمندی است، صبر .... «وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ» نشانه

عقلان این است که نماز میخوانند، آقا خدا چه نیازی به نماز ما دارد؟ نیاز ندارد، برای خودت هست، این نماز تشکر از خداست، خود خدا فرموده است، هرکی تشکر کند، نفعش برای خودش است، او آفریدگار ماست. می فرماید اگر تشکر کنید من چکار می کنم؟ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ» تشکر معنایش نیاز خدا نیست، معنایش ادب من است. امام زین العابدین علیه السلام که فرزندش اینجا میزبان شماست، امامزاده طاهر (ع)، من هر وقت می روم این امامزاده، اظهار ادب می کنم می گویم، به حق پدرت از خدا بخواه این شیرینی عبادت را به ما بچشانند، الان بعد از این مراسم، دعای کمیل است. «إِلَهِي أَذِقْنِي حَلَاوَةَ عِبَادَتِكَ» خدایا بچشان به من شیرینی عبادت را. عاقل ها نماز می خوانند، می پرسی، آقا نماز خواندی؟ مسخره می کند، می گوید قرصش را خوردم. مولای ما و شما امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: این افتخار برای من همین بس که بنده ی تو هستم پروردگارا.

- نشانه دیگر «وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» خردمندان پول هایی که ما به آنها داده ایم، مقدارش را می دهند، صد تومان به او داده ایم، می گوییم یک تومانش را به بیچاره ها بده، می گوید مال خودم هست، ما به تو دادیم، مثل پدری که بچه اش از سربازی آمده است، یک سرمایه ای به بچه اش داده است، می گوید برو کاسبی کن، سر سال می گوید، مجید چقدر سود کردی؟ این مقدارش را بده به خود من، احمه اش درهم می رود. می گوید اصل سرمایه مال خودم هست، من به تو دادم، «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» من تو دادم، این یک پنجم را خمس بده، یک دهم یا یک بیستم آن را زکات بده، گهگاهی دست یک بیچاره ای را بگیر، آقایان من از شما می پرسم انفاق سَرّی خوب است یا علنی؟ هردو. کدام بهتر است؟ سَرّی، خوبیش این است که به اخلاص نزدیک تر است، علنی خوبی آن چیست؟ تبلیغ، تشویق. جامعه اسلامی باید امیدوار باشند، وقتی برای یک کار خیری پول جمع می کنند، هیچکس تکان نخورد، می گویند عجب آدمهای خسیسی، عجب ملت بخیلی، وقتی همه دست در جیب کنند، خوششان می آید از همدیگر، می گویند بارک الله، ما مردم خوبی هستیم، انفاق علنی، تبلیغ یک کار خوب هست، تشویق یک کار خوب است، سَرّی اخلاصش زیاد هست، حالا شما انفاقتان علنی است یا سَرّی؟ فکر کنید روی این حرفها، هر دو خوب هستند، اما سَرّی بهتر است، امیرالمومنین علی علیه السلام چهار درهم داشت آیه نازل شد: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» یک درهم را حضرت در روز داد، یک درهم را در شب، یک درهم را علنی و یک درهم را سَرّی، همه ما هم می گوییم علی دوست هستیم، یاد بگیریم، نشانه عقل هست.

- این آخرین نشانه و هشتمین نشانه است: «وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» عاقل ها بدی را با خوبی جواب می دهند. آقا چرا فحش می دهی؟ او فحش داد ما هم جواب دادیم، بیاییم قرآنی بشویم، قرآن می فرماید: «بدی را با خوبی جواب بدهید.» عزیز من، ما همه عاشق امام حسن مجتبی (ع) هستیم، این آقایی که

جمعیت‌های میلیونی به زیارتش می‌آیند ، نوه امام حسن مجتبی (ع) است ، مثل جدش لقب کریم دارد، آن مرد شامی همه شما قصه آن را شنیدید، وقتی وارد مدینه شد خودش گفت من از هیچکس بیش از حسن بن علی (ع) و پدرش بدم نمی‌آمد ، نمی‌شناختمش ، از یک نفر پرسیدم ، حسن بن علی (ع) کیست؟ گفتن آن آقای است که دارد می‌آید ، مرد شامی رفت به امام حسن (ع) اهانت کرد، امام حسن (ع) فرمود : فکر کنم مسافری ، دوباره اهانت کرد و گفت فکر کنم گرسنه هم هستی، سه باره اهانت کرد، دستش را گرفت آورد خانه، سر سفره نشاند، فرمود چقدر در مدینه می‌خواهی باشی؟ گفت: یک هفته، فرمودند، آدرس می‌خواهی، ما به تو یاد می‌دهیم، جایی می‌خواهی بروی، من همراهیت می‌کنم ، اصلاً این مرد حیرت زده شد، او گفت از مدینه که بیرون رفتم کسی را بیش از حسن بن علی (ع) و پدرش دوست نداشتم . عاقل ها بدی را با بدی نه !! بدی را با خوبی جواب می‌دهند. امام‌زین‌العابدین علیه السلام همان امامی که فرزندش در همین‌جاست، یک کتابی دارد به نام صحیفه سجاده، پنجاه و چهار دعا دارد، دعای بیستم درباره مکارم الاخلاق است، یعنی اخلاق‌های درجه یک . چهار جمله اش را من نوشتم نمی‌دانم شما می‌پسندید یا نه ، از خدا می‌خواهد خدایا کمکم کن یک کسی که کلاه سرم گذاشته است، من با خیرخواهی با او رفتار کنم . خیلی سخته ، خیلی سخت هست. خدایا کمکم کن یک کسی که من احتیاج داشتم ، دست دراز کردم ، آن هم پول داشت به من کمک کند ولی کمک نکرده است، حالا قصه برعکس شده است، او آمده است از من کمک می‌خواهد، شما با ایشان چه می‌کنی؟ این موارد یعنی تلافی بدی با خوبی ، خدایا کمکم کن آن کسی که با من قطع رابطه کرده است، من وصل کنم . خدایا کمکم کن آن کسی که غیبتم را کرده است ، من خوبی او را بگویم. کسی که غیبت ما را می‌کند، ما عصبانی هستیم دیگر چهارتا باید بیشتر از آن تلافی کنیم. «أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ الدَّارِ» این ها خوش عاقبت هستند. آقایانی که دنبال خوش عاقبتی می‌گردن دست بلند کنند، نصف جمعیت می‌خواهند عاقبتشان بخیر شود، خب خانم‌ها ، دو سه نفری هستند. آنهایی که می‌گویند خدایا عاقبتمان را به خیر کن ، هرکی دنبال عاقبت به خیری است باید این هشت کار را بکند. هر کی می‌خواهد بهشت تشریف بیاورد، من که بهشتی هستم شما هم ان شاءالله سعی کنید تشریف بیارید، خیلی جای خوبی هست . به خدا ... بهشت قسمت‌هایی دارد ، یک جایی هست به نام «جنات عدن» به معنای جایگاه ویژه، انگلیسیش چه می‌شود؟ VIP ، آن دو سه ردیف ها که گران هست ، غذایش هم با بقیه فرق می‌کند، بهشت هم اینطوری است، این جنات عدن مال آنهایی است که این هشت تا کار را بکنند، می‌گویند عجب حرفی زدی آقا سید ... برویم خانه یک بار دیگر مرور کنیم ببینیم این هشت تا چی بود ، این کتاب ها این حرفهایی که می‌زنیم روی سایت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع) هم صوتش و هم پیاده شده اش هست. پنج سوال هم در طول هفته طرح می‌شود، به کسانی که پاسخ‌های درست بدهند ، جایزه می‌دهند. شرکت کنید ، یک جوری باشد که این حرف را برای

دیگران نقل کنید ، خودتان مرور بکنید. « جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ » از بس خدا گردهمایی اعضای خانواده را دوست دارد ، در بهشت هم اعضای خانواده را کنار هم قرار می دهد. « وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ » فرشته‌ها از هر دری وارد می شوند این را می گویند. « سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ » خوش آمدید ، درود بر شما که استقامت کردید در راه درست ، عجب عاقبت خوبی نصیبتان شده است.

خدایا این مجلس را به روح شهیدان ماجرای دیشب در مرقد منور احمد بن موسی (ع) واصل بفرما . خدایا آنهایی که شیرینی قرآن را به ما چشانده اند را بر سفره‌ی احسانت مهمان بفرما . خدایا شر بدخواهان و اشرار را به خودشان برگردان . خدایا بچه‌های ما را مایه افتخار ما قرار بده . خدایا رهبر عزیزمان، کشور عزیزمان، مردم عزیزمان را از هر گزندى به دور بدار. به روان پاک شهیدان ، روح بلند حضرت امام خمینی (ره) صلواتی تقدیم بفرمایید.